

## بررسی عوامل خوددرمانبخش تعارضات زوجین در مبانی روابط چهارگانه

### انسانی (ارتباط با خدا، خود، هستی و دیگران) از نگاه جوادى آملی

معصومه اسمعیلی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۸/۰۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۸/۱۳

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه مقدماتی تهیه محتوای آموزشی عوامل خود درمانبخشی در حل تعارضات زوجین با توجه به مبانی روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، هستی و دیگران از نگاه جوادى آملی صورت گرفته است. روش پژوهش: جامعه این پژوهش کتابهای جوادى آملی مرتبط با بحث روابط چهارگانه و نمونه مورد نظر، مباحث مستخرج از کتب ایشان بوده است. روش پژوهش تحلیل محتوا با توجه به نحوه کدگذاری نظریه مبنا صورت گرفته است. در این روش اطلاعات بدست آمده از متون جوادى آملی به طور مستقیم مورد تحلیل قرار گرفته و بدون تحمیل طبقات از پیش تعیین شده، کدهایی به صورت استقرایی از داده‌های خام استخراج گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از انجام مصاحبه از کدگذاری نظریه زمینه‌ای در سه مرحله‌ی باز، محوری و انتخابی انجام شده است. یافته‌های پژوهش: یافته‌های این پژوهش در قالب روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، هستی و دیگران می‌تواند در مجموعه بهم پیوسته‌ای از مفاهیم در بستر باورمندی زمینه آموزش عوامل خوددرمانبخش در حل تعارضات را فراهم آورد. بحث و نتیجه‌گیری: از آنجا که باورهای هستی‌شناسانه و نوع نگاه افراد به ماهیت انسان، مبدأ آفرینش جهان، ماهیت هستی و حقوق و جایگاه دیگران نقش مهمی در نحوه خود درمانی افراد در تعارضات بین شخصی و درون شخصی دارد، مرتبط ساختن زمینه‌های فکری افراد در ارتباطات چهارگانه توان افراد را در حل مسائل افزایش می‌دهد.

کلید واژه‌ها: عوامل خود درمانبخش، تعارضات زوجین، مبانی روابط چهارگانه انسانی، آرای جوادى آملی.

## مقدمه

تعارض بین شخصی به عنوان، نوعی تعامل که در آن اشخاص تمایلات، دیدگاهها و عقاید متضادی را بیان می کنند، تعریف می شود که بعضی محققان آن را رخدادی عادی در زندگی زناشویی می دانند (کوران و اولگوسکی، هازن و بوش؛ ۲۰۱۱). توجه ویژه به تعارض زناشویی زمانی قابل درک است که به تاثیرات منفی آن بر سلامت جسمانی، روانی و خانوادگی افراد نیز توجه شود. با این حال مولر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) گزارش داد که اکثر زوجین دارای تعارضات زناشویی تمایلی برای مراجعه به مشاور ندارند. و حدود ۸۰٪ از زوجین مطلقه گزارش کردند که آنها در رابطه با مشکلات زناشویی خود با هیچ درمانگری مشورت نکرده اند.

پیچیدگی شرایط زندگی امروز و شکل گیری تعارضهای فزاینده زوجین از یک سو و محدودیتهای زوج درمانی از سوی دیگر، ضرورت ارائه روشهای مداخله ای پایدار که مورد پذیرش زوج ها باشد و در تمام سطوح به سادگی قابل اجرا باشد و افراد را به خودمدیریتی در راستای حل تعارضهایشان هدایت کند، کاملاً احساس می شود.

بررسی های مشاوران پیشگام در ارزیابی و تغییر توالی تعاملات رفتاری و مسائل موجود بین زوجین، خاطر نشان کردند که آن توالی های تعاملی، تظاهرات ساختار زیربنایی خانواده هستند، لذا ساختار خانواده هدف مطالعات قرار گرفت. بررسی ها، محققان را بر آن داشت که ساختار را محصول فرایندی طولانی و چندنسلی ببینند که نظامهای باوری بر آن حکم می راند. اینک درمانگران اقدامات خود را به باورهای زیربنایی مذکور معطوف داشته اند (نیکولز و شوارتز؛ ۲۰۰۱) این باورهای زیربنایی، مبنای نیروی خوددرمانبخشی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. لوئر و لوئر<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) مفهوم خوددرمانبخشی را چنین تعریف می کنند: فرایندی طبیعی که از درون خانواده برمی خیزد و موجب حفظ تعادل در منظومه می شود. تجربه ای منحصر به فرد، که طی آن فرد، مسئولیت سلامتی خود را فعالانه به عهده می گیرد و می تواند خوددرمانی و خودتشخیصی را بدون سعی آگاهانه انجام دهند. پژوهشهای بسیاری نشان می دهد بین خوددرمانی و خود تشخیصی و نحوه نگاه به جهان ارتباط مستقیمی وجود دارد و نحوه نگاه فرد به جهان هستی به ویژه در ارتباطات زناشویی و حل تعارضات آنها موثر است.

<sup>۱</sup>Curran, M, Ogolsky, B, Hazen, N, Bosch, L

<sup>۲</sup>- Muller

<sup>۳</sup>Nichols, M & Schwartz, R

<sup>۴</sup>Lauer, J. c & Lauer, R. H

مارتیگنانی (۲۰۱۱) نقش هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی را در ارتباط زناشویی مهم توصیف کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد ارزش‌های زناشویی و باورهای افراد درباره ماهیت رابطه زناشویی (هستی‌شناسی ازدواج) در زوجینی که از روابط خود رضایت دارند نسبت به زوجینی که روابط زناشویی تنیده دارند متفاوت است و بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند به ارائه الگویی برای افزایش رضایت زناشویی زوجین منجر شود (باکوم<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۶). در غرب این ارزشها وابسته به نظر اکثریت است و ارزش‌های انتخاب شده به طور ضمنی دلالت بر عملکرد سالم انسان (از دیدگاه غربی) دارند (هاج و ندیر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). مثلاً ارزش‌هایی مانند خودرأیی، استقلال، ابراز خود و تساوی طلبی نقش‌های جنسی انواعی از ارتباط را به وجود می‌آورد که در آن، تنها دیدگاه فردی بیان می‌شود و هویتی را ایجاد می‌کند که ریشه در ارزش‌های کار و عشق دارد (هاج، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه ارزش‌ها و نحوه نگاه به جهان نقش زیادی در رفتارها و نگرش‌های زوجین دارند، بنابراین هنگام انجام روش‌های درمانی در هر فرهنگی باید به ارزش‌های فرد و آن فرهنگ توجه کرد. برخی از ارزش‌های خاص که می‌تواند مشاوره اسلامی را از مشاوره غربی متمایز کند عبارتند از: هم‌رأیی (وفاق عمومی)، وابستگی متقابل، خودکنترلی، مکمل بودن نقش‌های جنسی، ارتباطاتی، اهمیت حقوق مردم. این ارزش‌ها و دیگر ارزش‌های مشابه نشان از کاربست خاص مشاوره و روان‌درمانی در فرهنگ اسلامی دارد.

دولاهیت، هاکنیز و پار<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای کیفی به بررسی ارزش‌های زندگی زناشویی در ۵۷ زوج مسیحی، یهودی و مسلمان پرداختند. نتایج تحلیل‌های کیفی آنها نشان داد که موضوع عمده (خارج از سنت‌های دینی) در تمام زوجین این بود که ازدواج واحد مقدسی است که ارزشی «بیشتر از یک چیز» دارد: چیزی بیشتر از خود، چیزی بیشتر از زوجین و چیزی بیشتر از واحد خانواده. از آنجا که تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند بر ارزش‌شناسی و هستی‌شناسی افراد تأثیر بگذارد طرح‌درمانی که مبتنی بر ارزش‌شناسی و هستی‌شناسی غالب در یک جامعه باشد به نظر موفق‌تر به نظر می‌رسد. در حال حاضر درمان‌های زن و شوهری و خانواده‌درمانی محصول زحمات خانواده‌درمانگران غربی است که عموماً از طریق متون ترجمه شده فعالیت‌های روان‌شناسان و مشاوران خانواده را در ایران شکل می‌دهد در حالیکه می‌دانیم جوامع غربی نسبت به جوامع شرقی خصوصاً مسلمانان، هستی‌شناسی بیش از حد فرد‌گرایانه‌ای دارند و این با شیوه

<sup>۱</sup>Martignani, L.

<sup>۲</sup>Baucom, D. H

<sup>۳</sup>Hodge, D. R., & Nadir, A.

<sup>۴</sup>Dollahite, D.C., Hawkins, A.J., & Parr, M.R.

ارتباطی که مسلمانان به کار می برند کاملاً متفاوت است زیرا تأکید اسلام به اهمیت اجتماع و احاطه هویت یک فرد در حاکمیت و قدرت خدا در تضاد است.

از جمله مبانی هر نظام عقیدتی و فرهنگی، بحث مبانی روابط چهارگانه انسانی است. انسان در طول زندگی خود، ارتباط با هستی، خالق هستی، خود و دیگر انسان ها را تجربه می کند. انسان که خود از حلقه های نظام هستی بوده و با خدا و دیگر موجودات در ارتباط است، هم ولایت یک جانبه را تجربه می کند و هم ولایت دوجانبه را. اثبات ولایت یک جانبه، برای همه ی انسان ها، آسان است. زیرا هر انسانی با ولایت تکوینی بر خویشتن زندگی می کند. تصرفاتی که انسان هر روز در بدن خود انجام می دهد، همه بر اثر ولایت تکوینی روح است. نسبت خدا با جهان آفرینش، از جمله انسان، نیز ولایت و تدبیر یک جانبه خدا را بر انسان و جهان اثبات می کند. زیرا انسان خود را در بسیاری از امور عاجز و ناتوان می بیند و چون عاجز می بیند، لازم می داند، خود را تحت تدبیر و ولایت ولی حقیقی قرار دهد، تا او را سرپرستی کرده و تدبیر او را به عهده بگیرد، و این ولایت را نیز، همانند ولایت نفس بر شئون و قوای انسان می یابد. انسان همان گونه که ولایت خود را بر نفس، و خدا را بر جهان و انسان می یابد، ولایت بر طبیعت و دیگران را نیز مشاهده می کند، و می بیند که انسان چگونه در طبیعت تصرف می کند یا تدبیر امور دیگران را بر عهده می گیرد. ولایت دوجانبه مانند ولایت یک جانبه در خارج وجود دارد. زیرا انسان ها به لحاظ این که با یکدیگر ارتباط دارند، ولاء محبت و نصرت را ملاحظه می کنند و می بینند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ب).

جوادی آملی می گوید: در قرآن کریم آنچه در جهان هست، حق و آنچه نیست باطل نامیده می - شود پس حق امر ثابت، موجود و واقعی است. وی با تقسیم حق به حق مطلق (سوره حج آیه ۶۲) و حق مقید (سوره لقمان آیه ۳۰) نحوه ارتباط با خالق هستی و مخلوق او را تبیین می کند. رابطه خدا و جهان یک رابطه خالق مخلوقی است. خالقی که یکتا، بی نیاز، بدون ارتباط زادگی و زاینده گی و نظیری - مشابهتی که بتواند مقایسه ای یا نسبتی را در پی داشته باشد. جهان مورد توصیف اما، شامل مشخصات مبدأ - معادی (بقره ۱۵۶)، هدفمندی (مومنون ۱۱۵)، غیب و شهادتی (انعام ۷۳)، قاعده مندی (یونس ۵) و حساب و کتابی (سوره نساء آیه ۱۶۵) است و در مجموع می توان نوع ارتباط جهان را با خدا در آیات ۱-۴ سوره ملک دریافت و این رابطه قابل پیش بینی و قابل اعتماد است به گونه ای که هربار روی خود را برگردانی هیچ فطوری در آن نخواهی دید (ثم ارجع البصر کترین صافات ۱۶۴). انسان مسؤل شناخت حق و باطل است. قرآن می فرماید: از آنچه به آن علم نداری

پیروی نکن زیرا شما از جهت گوش و چشم و فوادی که همان قلب و جان شما است در نزد خداوند مسؤل هستید.

تعامل انسان با نفس خویش؛ ارتباط او با خداوند؛ معاشرت وی با مردم؛ رفتار انسان در مقابل زندگی دنیوی. هریک بر هفت رکن استوار هستند که اجمال آن بدین شرح است:

۱. ارکان تعامل با نفس: جهاد با نفس؛ خوف از رب؛ تحمل ریاضت؛ طلب صداقت؛ اخلاص در نیت؛ اخراج حب غیر حق از نفس؛ معرفت به ربط و فقر. ۲. ارکان معامله با خداوند: ادای حقوق ربوبی؛ حفظ حدود الهی؛ شکر نعم پروردگاری؛ رضا به قضای الهی؛ صبر بر مصائب و بلاهای طبیعی؛ تعظیم و تکریم محارم خداوندی؛ شوق به لقای ذات سرمدی. ۳. ارکان معاشرت با مردم: گذشت و بخشندگی؛ تواضع و اخبات و فروتنی، سخا و کرم و بزرگواری، رحمت و رفق و مهربانی، نصیحت و پند و خیرخواهی و قسط و انصاف و عدل محوری. ۴. ارکان معامله با دنیا و زندگی دنیایی: راضی بودن به کمترین امکانات؛ ایثار به موجود؛ طلب نکردن مفقود؛ عدم علاقه به مال زیاد؛ انتخاب روش زهد؛ معرفت به آفات و بلاها؛ برانداختن شهوات دنیوی همراه ترک مناصب ظاهری. هرگاه این خصوصیات در فرد تحقق پیدا کند، از بندگان مقرب می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب).

در بین این پیوندها، ارتباط با خود، گونه‌ای دیگر دارد. اگر انسان فرضاً بتواند از هر ارتباطی خود را دور کند، هرگز نمی‌تواند خود را از برقراری ارتباط با هویت خود معاف کند. او خواه نا خواه، ارتباط وسیعی در قلمرو هستی خویش دارد و با شئون علمی و عملی خود در ارتباط است. اندیشه و افکاری دارد که به جزم‌های علمی او بر می‌گردد و انگیزه و اراده‌ای دارد که به عزم‌های عملی او رجوع می‌کند. ارتباط با خود که بر اساس چنین اموری تحقق می‌یابد، به قدری ضروری است که تصور حیات و زندگی انسان بی‌آن ممکن نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷، الف). ارتباط انسان با خود، باید براساس شناخت جایگاه واقعی خویش تنظیم شود؛ او باید بداند که خلیفه خدا در زمین و دارای ظرفیت علمی گسترده و امانت‌دار خدا و برخوردار از فطرت خدا آشنا است. وقتی که انسان جایگاه خود را در نظام هستی بررسی کرد و فطرت و طبیعت خود را شناخت، می‌داند که بنده و امین خداست و اعضا و جوارح او سپاه الهی و در کمین او هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف).

بشر دارای رابطه‌ای اصیل با جهان است که مبانی محوری آن با تفاوت زمان‌ها و مکان‌ها دگرگون نمی‌شود. حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها نیز بر همین رابطه یعنی تکوین پایدار استوار است؛ نه بر اساس امور صرفاً اعتباری و قراردادی که خود انسان‌ها وضع می‌کنند و در میان جوامع گوناگون

کاملاً متفاوت اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، الف). این پژوهش با استفاده از مبانی روابط چهارگانه انسانی مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که چه عوامل خود درمانبخشی در مبانی روابط چهارگانه انسانی (ارتباط با خدا، خود، هستی و دیگران) از نگاه جوادی آملی وجود دارد که می تواند زمینه های آموزش زوجین را برای یک حرکت خود درمانبخش و پایدار در حل تعارضات مطرح نماید؟

### روش پژوهش

جامعه این پژوهش کتابهای جوادی آملی مرتبط با بحث روابط چهارگانه و نمونه مورد نظر، مباحث مرتبط با روابط چهارگانه مستخرج از آثار نویسنده بوده است. روش پژوهش تحلیل محتوا با توجه به نحوه کدگذاری نظریه مبنا بوده است. در این روش اطلاعات بدست آمده از متون جوادی آملی به طور مستقیم مورد تحلیل قرار گرفته و بدون تحمیل طبقات از پیش تعیین شده، کدهایی به صورت استقرایی از داده های خام استخراج گردید. مفاهیم استخراج شده در چهار مقوله تقسیم بندی شدند (خود، دیگران، خدا و هستی).

### یافته ها

جدول ۱: عوامل زمینه ای خوددرمانبخشی برخاسته از نحوه نگاه به ارتباط با خدا/وند در دیدگاه جوادی آملی

محتوا و عبارات مهم	کدگذاری باز	کدگذاری اری محور ی	کدگذار ی انتخابی
خدای سبحان که در همه: «هو فی الأشیاء» و با همه است: (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ) و در همه جا حضور دارد: (وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ) چون اطلاق او ذاتی است، (۱۳۸۸- ت، ص ۲۵۷). / خدا کسی است که: (فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ)؛ نه در زمین و نه در آسمان است؛ همه جا هست و هیچ رنگی نمی گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸- ت، ص ۲۵۷)	هستی بخش هر وجود و بی نیاز از هر موجود	رابطه خدا با جهان و انسان	زمینه های خوددرمانبخش برخاسته از نحوه نگاه به

<sup>۱</sup> بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۷

<sup>۲</sup> سوره حدید آیه ۴

<sup>۳</sup> سوره زخرف آیه ۸۴

<sup>۴</sup> - سوره زخرف، آیه ۸۴

		مجموعه نظام هستی اعم از جن، انس، فرشته، جماد و حیوان در سایه رحمت و اسعه الهی خلق شده و روزی می‌خورند(جوادی آملی، ۱۳۸۹- الف، ص ۱۱۴). / اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ یعنی هر چیزی که شی است آن مخلوق خداوند است و خداوند نیز خالق اوست/ خدای از آن جهت که حکیم است، کارهای او آمیخته با مصلحت و منفعت است.(، ۱۳۸۹- ت، ص ۶۱۹).
		خداوند خالق، وکیل و تدبیرکننده همه هستی
	فرست دهنده و رشد دهنده	خدای تعالی هیچ کاری را برخلاف آنچه داده است، از انسان نخواست و نمی‌خواهد. چون اثبات را آفریده است، آنها را می‌پروراند و راهنمایی می‌کند که خودشان به کمال برسند (، ۱۳۸۹- پ، ص ۲۰۶)
رابطه انسان و هستی با خالق	ارتباط با خدا عامل حرکت بخشی، معیار - مندی و تصحیح انسان	مهم‌ترین عامل حرکت صحیح و سریع و دقیق، ارتباط با خداست. از طرفی همین مبدأ فاعلی که محرک است هدف غایی حرکت نیز هست: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)(جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۱۵۵)؛
	رابطه انسان با خداوند	اگر ارتباط سالک با مبدأ فاعلی قطع شد و از محرک فاصله گرفت به بی‌راهه می‌رود؛ اگر ارتباط انسان با مبدأ فاعلی و غایی قطع شد و از محرک خود فاصله گرفت به بی‌راهه می‌رود(۱۳۸۳، ص ۱۲۰).
بناگاه‌شناسی	حضور بدون وقفه و وصف ناپذیر خداوند	نحوه آفرینش هستی به صورت تجلی است نه تجافی. آنچه در نزد خداست در عین حال که اصل و حقیقت آن نزد اوست رقیق شده و تنزل یافته‌اش برای دیگران تجلی کرده است. صدور افعال الهی نیز به نحو تجلی است نه تجافی و جدایی و انتقال (۱۳۸۸- ت، ص ۳۸۵)؛- خدا منزله است از آنچه توصیفش می‌کنند

جدول ۲: عوامل زمینه ای خوددرمانبخشی برخاسته از نحوه نگاه به ارتباط با جهان هستی و خلقت در دیدگاه جوادی آملی

محتوا و عبارات مهم	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
- در هستی‌شناسی الهی نظام هستی «خلقت» نام دارد نه «طبیعت». فرق اساسی این دو عنوان این است که وصف خلقت، نظام فاعلی و غایی را دربر دارد؛ لیکن صفت طبیعت، از افاده این دو نظام تهی است و فقط سیر افقی	تمایز نگاه الهی و غیرالهی به هستی	ماهین‌شناسی	زمینه های خوددرمانبخش

		اشیا را نشان می‌دهد؛ اما از اینکه جهان موجود را چه مبدئی آفرید و برای چه خلق کرد: (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ) <sup>۱</sup> سخنی به میان نمی‌آورد. / مبدأ جهان و انسان خداست، چنان‌که مرجع و معاد همه اوست: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) <sup>۲</sup> (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ت، ص ۹۷).
	روابط در هستی بر قاعده علیت است	قانون علیت و معلولیت هرگز از بین نمی‌رود و در هیچ مورد چیزی بدون نظام علی و معلولی یافت نمی‌شود. نظام علی و معلولی قطعی است و هرگز چیزی با تضاد پدید نمی‌آید؛ خواه در ذهن و خواه در عین (جوادی آملی، ۱۳۸۸-ح، ص ۶۰۴).
	نظم در هستی	آنچه که مطابق با سرشت و خواسته‌های درونی هر موجودی است، همان را خداوند از راه نظم خاص به او می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۴-ب، ص ۱۵۵).
	هستی مدبرانه و حکیمانه	نظام هستی که با تطورات مختلف به صورت فعلی در آمده و مراحل زیادی را در پیش دارد تا به هدف نهایی خویش برسد، همه شئون آن به تدبیر الهی آغاز و انجام می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ت، ص ۹۷). همه شئون او به تقدیر حکیمانه خداوند آغاز و انجام می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ت، ص ۹۷).
	قاعده امداد کلی	- هر موجودی در مسیر کمال آن هدایت و امداد می‌شود تا مسیر مناسب را برای نیل به هدف لایق و درخور، طی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵). - در مسیر حرکت برای رسیدن به تکامل برخی از موجودات آسیب دیده و بعضی رشد می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ج، ص ۵۷۷).
	جایگاه شناسی	در نظام آفرینش، هر پدیده‌ای به جای خود نشسته است و سرگرم انجام دادن وظیفه‌ای متناسب با وضع خود است (جوادی آملی، ۱۳۸۸-ج، ص ۳۹).
		نظام هستی بر پایه قوانین تخلف‌ناپذیر و نظام علی و تسلیم بدون تخلف

<sup>۱</sup> سوره حدید، آیه ۲  
<sup>۲</sup> بقره آیه ۱۵۶



		جهان با خدا	معلولی حقیقی بنا شده است. اطاعت و تسلیم در برابر این مقررات، ناشی از نظام ضروری علی و معلولی حقیقی است؛ زیرا هیچ موجودی قدرت مخالفت و گریز از قانون تکوینی را ندارد: (فقال لها و للأرض اثتیا طوعاً أو کرهاً قالتا أتینا طائعتین) (جوادی آملی، ۱۳۸۸-ج، ص ۱۲۵).
رابطه انسان با جهان هستی	لزوم برخورد هدفمند با هستی	فعل الهی هدف دارد و اگر انسانها از زمین و آسمانها استفاده درست نکنند، چنین نیست که خداوند به مقصد نرسیده باشد، بلکه انسان بهره صحیح نبرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ت، ص ۶۱۹).	
	لزوم ارتباط سازنده با هستی	انسان در پیوند با نظام هستی نیازمند حکمت و خردمندی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶-ب، ص ۱۳۱). هر کس که از حکمت برخوردار گردد، خیر کثیری به او داده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶-پ، ص ۱۳۱).	
	معیار حرکت و رابطه انسان با هستی	پیوند انسان و جهان بر پایه‌های ثابت استوار است، در نتیجه اگر چیزی عدل بود، در تمام زمان و زمین و با تمام زبان حسن و نیکوست (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ح، ص ۴۹۱).	
	انحراف از هماهنگی و سقوط	هر معصیتی انسان عاصی را با نظام قانونمند، منسجم و هماهنگ هستی درگیر می‌سازد و او را در جهتی خلاف جهت مستقیم فطریش سوق می‌دهد/ بدون تردید درگیری با نظام هستی به این وسعت و قدرت، سبب سقوط و انزوای انسان از این مجموعه متحد و هماهنگ می‌شود. حرکت در خلاف جهت قوانین و سنت‌های حاکم بر این نظام، حرکتی بر خلاف موج و شکننده و خردکننده و اعلام درگیری و جنگ با صاحب این نظام است (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ج، ص ۵۳۹).	
	روابط متقابل انسان و جهان در نظر با محوریت هماهنگی با اراده الهی	شالوده جامعه الهی، ضمن اعتماد بر حس و تجربه حسی، بر مبنای عقلگرایی است و جامعه الحادی، بر اساس حسگرایی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ث، ص ۹۷). شعور و ادراک به آدمی از کیفیتی خاص	

		<p>برخوردار است. / اگر انسان درباره جهان عینی، صحیح بیندیشد، و درست تدبیر کند و بر اساس ادراک راستین و راسخ سؤال طرح کند، پاسخ منطقی خود را از آن دریافت خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷- پ، ص ۱۶۵).</p>
	<p>روابط متقابل انسان و جهان در عمل با محوریت هماهنگی با اراده الهی</p>	<p>رابطه انسان با طبیعت در صورتی که او ارزش وجودی خود را تحصیل و حفظ کرده و امین خدا باشد، رابطه تسخیری است؛ ولی اگر این انسان خیانت کند، همه پدیده‌های نظام هستی با او برخورد می‌کند و از خود عکس العمل نشان می‌دهد؛ زیرا همه آنها فقط در برابر اراده الهی خاضع‌اند و به دستور او کار می‌کنند و به فرمان او از پرهیزکار، حریم می‌گیرند و از تبهکار، انتقام خواهند گرفت (جوادی آملی، ۱۳۸۸- پ، ص ۱۶۸). / اگر انسان بخواهد از این عالم بهره درست ببرد یا به آن بهره دهد، هم باید خود را مُسخرانه بشناسد و هم جهان را؛ آن‌گاه براساس تعامل متقابل و تسخیرهای متقابل، از جهان کمک بگیرد و به جهان مدد برساند (جوادی آملی، ۱۳۸۹- پ، ص ۲۰۶).</p>
	<p>بهره مندی در گرو کوشش</p>	<p>نظام هستی، نظام کوشش است و برای رسیدن به مطلوب باید وسایلی را به‌کارگرفت، پس دعای بدون تلاش نافذ نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸- د، ص ۴۹۹).</p>
	<p>گریز ناپذیری تعامل انسان با جهان</p>	<p>انسان در خلأ زندگی نمی‌کند، بلکه در نظامی ادامه حیات می‌دهد که اجزایی محیط اطراف او را فرا گرفته و او همیشه با آن در ارتباط است؛ از این‌رو یکی از شئون بشر، تعامل و برخورد انسان با نظام تکوین است (جوادی آملی، ۱۳۸۸- ب، ص ۱۰۰).</p>
	<p>نقش انسان بر هستی</p>	<p>چگونگی برخورد و رفتار انسان، تأثیر مستقیم بر هستی می‌گذارد، پدیده‌های نظام هستی و همه اجزای ریز و درشت آن، ارتباط و پیوند تنگاتنگ و ناگسستی با یکدیگر دارند و تمام حرکات بشر، بر نظام هستی تأثیرگذار است (جوادی آملی، ۱۳۸۸- ب، ص ۱۰۰).</p>

جدول ۳: عوامل زمینه‌ای خوددرمانبخشی برخاسته از نحوه نگاه به ارتباط با دیگران در دیدگاه جوادی آملی

محتوا و عبارات مهم	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
انسان بر اساس فطرت خود که آفرینش او براساس آن رقم خورده است، متمدن است. او براساس فطرت خود با دیگران همکاری می کند و حقوق آنها را محترم می شمارد. انسان براساس فطرت انسانی خود هر آنچه را برای خود می خواهد برای دیگران نیز همان را اختیار می کند و هر چیزی را برای خود نمی پسندد برای دیگران هم نمی پسندد (مفاتیح الحیاه، ۱۳۹۱)	فطرت انسانی سوق دهنده برقراری روابط اجتماعی	ماهیت شناسی	زمینه های خوددرمانی بخش برخاسته از نحوه نگاه به ارتباط با دیگران
خواستگاه ارزشها و فضائل نفس و روح انسان است نه جسم او و زن و مرد در روح و نفس تفاوت ندارند	برابری ارزشهای حاکم بر زن و مرد	رابطه متقابل انسان با انسان	
امر (اصبرو) ناظر به صبر فردی و (صابرو) ناظر به صبر جمعی است و به معنای با هم صبر کردن است/ صبرهایتان را با هم تبادل کنید نه اینکه هر یک به تنهایی صبر کنید (در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره ال عمران) / مصابره در برابر رقیب به معنای استفامت در برابر پایداری طرف مقابل است/ صبر کردن و کمک به صبر دیگران و ترمیم ضعف های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰)	صبر جمعی عامل تداوم بخش روابط		
انسان دنیازده، هرگز با دیگری متحد نمی شود، چون کثرت ویژگی ماده است، به همین دلیل اهل جهنم، با اینکه کنار یکدیگرند، یکدیگر را نفرین می کنند: (کَلَّمَا دَخَلَتِ امَّةٌ لَعْنَتَ اخْتِهَا) اَمَّا در بهشت، همه به یاد یکدیگرند: (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ) <sup>۱</sup> (جوادی آملی، ۱۳۸۸-ث، ص ۱۵۰). / خدای تعالی به همگی خاصیت درونی داد و آنها را هماهنگ و هم آوا ساخت (جوادی آملی، ۱۳۸۹-پ، ص ۲۰۶).	معیار سلامت رفتار در تعامل		

<sup>۱</sup> سوره اعراف، آیه ۳۸

<sup>۲</sup> سوره اعراف، آیه ۴۳

	<p>مومنان با یکدیگر جز روابط اخوت و برادری نباید داشته باشند. / در بهشت جا برای عداوت، کینه، بغضاء و مانند آن نیست زیرا که در بهشت هیچ کینه ای نیست. / انسانهای با ایمان نسبت به گذشتگان خود طلب مغفرت می کنند.</p>	<p>حاکمیت روابط دوستانه بر فضای ارتباطی</p>
	<p>هر کسی با آبرو زنده است و آبروی هر کسی هم محترم است. / آبروی مومن امانت الهی است</p>	<p>حفظ شرافت و آبروی یکدیگر</p>
	<p>اگر کسی مشکلی دارد راه علاج آن امر به معروف و نهی از منکر است که دوستانه با خود او در میان بگذارد / امر به معروف و نهی از منکر، عیب جویی کردن مردم، مسخره کردن مردم، هتک حیثیت مردم نیست / خدای تعالی انسانها را راهنمایی می کند تا هم یکدیگر را کامل کنند ( ۱۳۸۹- پ، ص ۲۰۶).</p>	<p>تصحیح یکدیگر</p>
	<p>- عمل به عدالت در زندگی اجتماعی از مهم ترین تکالیف الهی مسلمانان بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸- ج، ص ۱۹۳).</p>	<p>اهمیت رعایت عدالت</p>
	<p>انسان برای عمران و آبادانی نظام تکوین خلق شده است و مأموریت وی در زمین همین است: (و استعمرکم فیها)!</p>	<p>نگاه رشدی به یکدیگر</p>
	<p>مصائب و بلاهای طبیعی در زمین انعکاس اعمال انسانهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۸- ب، ص ۱۰۰)</p>	<p>ویژگی بازخوردی بودن اعمال آدمی</p>
	<p>نه تنها گمان بد را پیروی نکنید بلکه آن را جستجو نکنید تا آن را به یقین تبدیل کنید / ایمان با ظلم سازگار نیست (در تفسیر سوره حجرات، مجموعه سخنرانیها)</p>	<p>اجتناب از گمان بد</p>
	<p>حسن معاشرت و تعهد موجب برقراری ارتباط سالم با دیگران می شود.</p>	<p>تعهد نسبت به یکدیگر</p>

محتوا و عبارات مهم	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
ذات اقدس خدا رابطه انسان را با جهان آفرینش، رابطه تسخیری می‌داند و می‌گوید که هر یک از موجودات، خاصیت و اثر ویژه خود را دارند؛ اگر انسان آن خاصیت را شناخت و آن را درست تنظیم و رهبری کرد، در حقیقت، آن موجود را تسخیر کرده است (۱۳۸۹- پ، ص ۲۰۶).	پی بردن به خاصیت و اثرات فطرت انسانی	ماهیت شناسی	
اگر کسی برپایه هستی‌شناسی توحیدی، حقیقت انسان را جان ملکوتی او بداند: «أصل الإنسان لبه» در معالجه انسان هرگز او را با حیوان یکسان نمی‌پندارد و هر دارویی اعم از حلال و حرام تجویز نمی‌شود (۱۳۸۹- ب، ص ۷۴).	حرمت ماهیت انسان		
چنین انسانی (خلیفه الله) حی متأله است. تا «حی» نباشد، خلیفه «حی قیوم» نیست و تا «متأله» نباشد، جانشین «الله» نیست. خلیفه الله باید متأله باشد (۱۳۸۹- پ، ص ۲۱۸).	حی متاله ویژگی متمایز کننده انسان		
انسان نیز که عوالمی را پشت سر گذاشته و عوالمی را برای وصول به هدف خویش در پیش دارد، هرگز با مرگ ناپود نمی‌شود (۱۳۸۹- ث، ص ۹۷).	اهمیت مسیر جاودانگی		
اگر هویت چیزی شناخته گردد، جایگاهش نیز خود به خود آشکار می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹- ب، ص ۲۱۸). بنابراین، حقوقی که برای انسان تدوین می‌گردد، باید به گونه‌ای باشد که نظام هستی آسیبی نینداند و انسان را از مقام و منزلتی که دارد تنزل ندهد (۱۳۸۸- ب، ص ۱۰۰).	شناخت جایگاه و ارزش خویش	جایگاه شناسی	
علت غایی در آفرینش زمین و آسمانها بهره‌وری علمی و عملی انسان از آنهاست و این علت غایی غرض فعل است، نه غرض فاعل (۱۳۸۹- ت، ص ۶۱۹)	جایگاه مرتبه ای انسان		
در نظام هستی، خدا موجود واجب است و سایر موجودها فیض نشئت گرفته از اویند. انسان از نگاه قرآن کریم وجودی جامع دارد که او را شایسته مقام خلافت کرده است و همین خلافت الهی، جایگاه والای انسان را در هستی رقم می‌زند (۱۳۸۹- پ، ص ۲۱۸).	احترام به انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین		
حقوقی که برای انسان تدوین می‌گردد، باید به گونه‌ای باشد که نظام هستی آسیبی نینداند و انسان را از مقام و منزلتی که دارد تنزل ندهد (۱۳۸۸- ب، ص ۱۰۰).	رعایت جایگاه انسان در هستی ملاک تعیین حق انسان		
انسان اصل حرکت را رها نمی‌کند و راکد نخواهد بود (۱۳۸۳، ۱۵۵).	حفظ حرکت و پویایی فطری خود در راستای قرب الهی	ارتباط انسان با خود	
عبادت خالص انسان را هدف خلقت وی اعلام می‌دارد؛ (ما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون) (جوادی آملی، ۱۳۸۹- ت، ص ۶۱۹). غایت نظام هستی در ورود به دالان انسانیت است و غایت و کمال انسان در معرفت و عبادت خداوند است (۱۳۸۸- ث، ص ۱۵۰).	هدف آفرینش انسان		
تسخیر کننده بالذات و اصیل، خداست که جهان طبیعت را برای جامعه بشری نرم و ذلول قرار داده و مسخر انسان کرده است: (أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (۱۳۸۹- پ، ص ۲۰۶).	پیشگیری از انحراف غرور آمیز		

زینب های خودرمانی بخش برخاسته از نحوه نگاه به ارتباط با خود

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد می‌توان زمینه‌هایی برای ایجاد یک الگوی خوددرمان بخش پایدار را از تبیین های هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه جوادی آملی استخراج کرد. روتباخ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در توضیح نقش باورها در نیروی خود درمانبخشی می‌گوید: خود درمانبخشی قدرت یا توانایی شفابخشی با توجه به بهره‌گیری باور به نیروهای ذاتی است. از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهد، هستی‌شناسی مذهبی نه تنها بر تعهد افراد نسبت به یکدیگر، بلکه همچنین در تعهد نسبت به نهاد ازدواج نیز تأثیر دارد. مک دونالد (۱۹۸۱) در مورد تعهد به نهاد مذهب بحث می‌کند و معتقد است که چنین تعهدی متفاوت از تعهد به یک فرد خاص است. لوینگر (۱۹۷۶) اشاره می‌کند که این نوع از تعهد ممکن است مانعی برای طلاق محسوب شود، حتی هنگامی که کیفیت زندگی زناشویی پایین است. بنابراین احتمالاً هستی‌شناسی مذهبی تعهد فرد را هم به نهاد مذهب که طلاق را ممنوع می‌داند (یا افراد را از آن به شدت بر حذر می‌دارد) و هم به خود نهاد ازدواج افزایش می‌دهد. به این طریق افراد مذهبی تأمل بیشتری برای طلاق دارند.

پژوهشهای بسیاری از جمله مارتینگانی (۲۰۱۱) و بلاتک (۲۰۱۰)، کیانی (۱۳۸۹)، صفورایی (۱۳۹۰)، حسینی (۱۳۹۱)، صیدی (۱۳۹۰) نقش هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی را در ارتباط زناشویی مهم توصیف کرده است.

در ارتباطات چهار گانه ای که جواد آملی آنها را با توجه به آیات قرآن کریم و دیگر معارف و متون اسلامی تأکید کرده اند یک منظومه کامل از ساختار عقل نظری و عملی مطرح شده است که دارای انسجامی بی‌نظیر و سازگاری درونی خاص برخوردار است. در چنین ساختاری هستی از خالق، مهربان، حامی، مدبر، با برنامه، همیشه، حاضر و ناظر، عادل، حسابگر، سوال کننده، شنونده، پاسخ دهنده، پذیرنده و امنیت دهنده برخوردار است. هستی از ویژگیهای مبدأ-معادی، هدفمندی، معیارمندی، منظومه‌گی، پیشبین پذیری و پاسخ دهنده‌گی برخوردار است.

اگر به محتوای تعارضات بین شخصی از جمله زن و شوهرها توجه کنیم اکثراً به بحث عدالت، بی-کسی، دیده نشدن، تبعیض، عدم وفاداری، ضایع شدن حقوق، بویژه حقوقی که بازگشت آن در منظومه دنیا غیرممکن است اشاره می‌شود. حال اگر به بستر آفرینش و قواعد جاری در آن توجه شود منطق روشن منتج از روابط خالق-مخلوفی از طرفی و ذاتی بودن و نه اعتباری بودن احکام درون شخصی و بین شخصی از طرف دیگر در خود درمانبخشی این نوع نگاه، تبیین می‌شود.

<sup>۱</sup>Rautenbach, J  
<sup>۲</sup>. institution of marriage  
<sup>۳</sup>. religious institution

جوادی آملی در تبیین ارتباطات انسان باخودش به الهی بودن نحوه آفرینش بشر تأکید می کند که خودارزشمندی و خود اعتباری را در فرد مستقر می سازد ، همزمان مسؤل بودن در مقابل همه هستی را یادآور می شود که از غرور ورزیدن پیشگیری می کند. وی به دمیده شدن روح الهی و توان مسخر سازی در انسان اشاره می کند که قدرت مندی اراده را به دنبال دارد و از طرفی به احتمال انحراف از قواعد مستقر در دل هستی و تحت سؤال بودن انسان هشدار می دهد که در ضرورت ضابطه مندی رفتار در مورد اختیارات و ضرورت رعایت حقوق و هماهنگ رفتار کردن با همه هستی اشاره می کند. جوادی آملی با تفسیر خود درباره روابط بین شخصی با توجه به آیه ۱۳ سوره حجرات در واحد بودن ارزش ذاتی زن و مرد و در کل همه قبایل و طایفه بندی های بشری تأکید می کند که در حقیقت اساس تبعیض به هر شکل و بهانه را نهی کرده و انحراف از این فاعده هستی شناسانه را امری ظالمانه و دور از تعالیم الهی توصیف می نماید. آگاهی از قیامت علاوه بر ایجاد توجه جدی به حقوق دیگران، تنش حاصل از تضييع حقوقی که امکان دسترسی به آن در منظومه دنیا برای صاحب حق وجود ندارد را از بین می برد و از طرفی احساس امکان جبران در قیامت، فرصت پایان بخشی به انتقام جویی را به آسیب دیده می دهد. فابل توجه تر اینکه پایان بخشی به احساس انتقام جویی حق جدیدی برای سهم خواهی از آسیب زننده که معمولاً راه انداز چرخه‌ی درگیری بین افراد است نمی شود زیرا که این اغماض به نیت الهی و جهت نزدیکی به قرب الهی صورت می گیرد. به این ترتیب آنچه عقلا و از طریق استنباط می توان به آن دست یافت، استقرار یک نظام استدلالی عاطفی است که از طریق ایمان می تواند روابط خود درمان بخشی را برای مومنین به این نظام باوری فراهم آورد.

#### منابع

- صیدی، محمد سجاده؛ تقی پور، ابراهیم؛ باقریان، فاطمه؛ منصور، لادن (۱۳۹۰). رابطه بین معنویت خانواده با تاب آوری آن با واسطه گری کیفیت ارتباط در خانواده . فصلنامه روشها و مدل‌های روان شناختی. سال دوم. ۸۴-۶۷.(۵)
- حسینی، نرجس السادات؛ فرحبخش، کیومرث؛ فاتحی زاده، مریم السادات.(۱۳۹۱). بررسی و مقایسه میزان بکارگیری آموزه های اسلامی خانواده محور در خانواده های سالم و آشفته . فصلنامه روان شناسی و دین. سال پنجم. (۱) ۱۸۹-۱۸۰
- صفورایی، محمدعلی(۱۳۹۰).نقش اعتقادات، بینش ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده، فصلنامه معرفت.سال بیستم. (۱۶۳).۶۵-۵۳
- کیانی، احمد رضا (۱۳۸۹). بررسی رابطه ابعاد جهت گیری مذهبی با نوع مرزهای ارتباطی در خانواده های ساکن شهر نکا، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علامه طباطبایی

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *توحید در قرآن*، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴، ب)، *فطرت در قرآن*، محقق محمد رضا مصطفی پور. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۶). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، محقق احمد واعظی، قم: انتشارات اسراء. نوبت چاپ سوم
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶، ب)، *رحیق مختوم*، جلد ۱-۱، محقق حمید پارسائیا، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۷، الف). *نسبت دین و دنیا*، محقق حجه الاسلام علیرضا روغنی موفق، قم: انتشارات اسراء. نوبت چاپ پنجم
- جوادی آملی (۱۳۸۷، ب). *سیره رسول اکرم (ص) در قرآن*، جلد ۹، محقق حجه الاسلام حسن واعظی محمدی، قم: انتشارات اسراء. نوبت چاپ پنجم
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷، پ)، *دین شناسی*، محقق محمدرضا مصطفی پور، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷، ت). *تحریر تمهید القواعد - ج ۳*، محقق حمید پارسائیا، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۸، الف). *وحی و نبوت*، محقق حجه الاسلام مرتضی واعظ جو، قم: انتشارات اسراء. نوبت چاپ اول
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، ب)، *حق و تکلیف در اسلام*، محقق مصطفی خلیلی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، پ)، *اسلام و محیط زیست*، محقق عباس رحیمیان، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، ت)، *تسنیم*، جلد ۸، محقق حسن واعظی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، ث)، *تسنیم*، جلد ۱۲، محقق محمد حسین الهی زاده، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، ج)، *تسنیم*، جلد ۱، محقق علی اسلامی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، چ)، *اسلام و روابط بین الملل*، محقق محمد، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸، د)، *جرعه‌ای از صهبای حج*، محقق واعظی، قم: انتشارات اسراء
- جوادی آملی (۱۳۸۹، الف). *ادب فنای مَقریان*، جلد ۱، محقق حجه الاسلام محمد صفایی، قم: انتشارات اسراء. نوبت چاپ هفتم
- جوادی آملی (۱۳۸۹، ب). *انتظار بشر از دین*، محقق حجه الاسلام محمدرضا مصطفی پور، قم: انتشارات اسراء. نوبت چاپ ششم
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹، پ)، *تفسیر انسان به انسان*، محقق محمد حسین الهی زاده، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹، ت)، *تسنیم*، جلد ۲، محقق علی اسلامی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹، ث)، *جامعه در قرآن*، محقق مصطفی خلیلی، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹، ج)، *تسنیم*، جلد ۴، محقق احمد قدسی، قم: انتشارات اسراء
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹، چ)، *تسنیم*، جلد ۱۹، محقق سعید بند علی و عباس رحیمیان، قم: انتشارات اسراء.
- وادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹، ح)، *تسنیم*، جلد ۱۸، محقق حسین اشرفی و روح الله رزقی، قم: انتشارات اسراء.



جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیات*. قم: انتشارات اسراء.

محمدپور، ا. (۱۳۸۹). *روشن در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی)*. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

Blanc, C,L. (2010). *Generative spirituality and the parent-child relationship*. A dissertation in the school of human ecology.

Curran, M,Ogolsky,B,Hazen, N,Bosch,L.(2011). *Understanding marital conflict 7 years later from parental representations of marriage* . family process. 50:221-200

Muller, C. 2004. *Focus on the family - abstracts from American journals*. Social Work/Maatskaplike Werk 3(3): 146-150.

Lauer,j.c & lauer, R.H.(1986). *Til death do us part: a study and guide to long-term marriage*. New York: Harington park.

Rautenbach, J (2008). *THE STRENGTHS OF ENDURING MARRIAGES: OVERCOMING SEVERE STRESS*

McDonald, G.W. (1981). *Structural exchange and marital interaction*. Journal of Marriage and Family, 44, 825-839.

Levinger, G. (1976). *A socio-psychological perspective on marital dissolution*. Journal of Social Issues, 52, 21-47.

Martignani, L. (2011): 'All together now!' Couples and the ontological problem of cohabitation as a form of life. *International Review of Sociology: Revue Internationale de Sociologie*, 21(3), 565-581.

Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). *Assessing relationship standards: The inventory of specific relationship standards*. Journal of Family Psychology, 10, 00-000

Hodge, D. R., & Nadir, A. (2008). *Moving toward Culturally Competent Practice with Muslims: Modifying Cognitive Therapy with Islamic Tenets*. Social Work, 53(1), 31-400

Hodge, D. R. (2005). *Social work and the house of Islam: Orienting practitioners to the beliefs and values of Muslims in the United States*. Social Work, 50 (2), 000-0000

Dollahite, D.C., Hawkins, A.J., & Parr, M.R. (2012). "Something More": The Meanings of Marriage for Religious Couples in America. *Marriage & Family Review*, 48(4), 339-3000

Nichols,M & Schwartz, R.(2001). *Family Therapy: Concepts and Methods*, 5th Edition, Publisher: Allyn and Bacon